



www.Ketab.ir

مجموعه مقالات فرهنگے

دکتر محمد اسعدی

سرشناسه	: اسعدی، محمد، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات فرهنگی / محمد اسعدی ؛ ویراستار محمد اسعدی.
مشخصات نشر	: قم: حکمت گستر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۸۳-۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: کتاب حاضر بخشی از مقالات محمد اسعدی است که در مجلات مختلف منتشر شده است.
موضوع	: مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian essays -- ۲۰th century
رده‌بندی کنکره	: PIR۸۳۳۴
رده‌بندی دیویی	: ۸۷۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۶۴۷۷۲



انتشارات حکمت گستر

مجموعه مقالات فرهنگی

نویسنده: محمد اسعدی

قم: انتشارات حکمت گستر

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹

چاپ: هوشنگی

ویراستار: محمد اسعدی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: محمدباقر مهرآبادی

طرح جلد: صابره اسعدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۸۳-۱-۱

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق محفوظ است

نشانی ناشر و مرکز پخش:

قم، ۴۵ متری صدوقی، کوچه ۵۲، خیابان امام جواد (ع)، کوچه ۴، پلاک ۱۰

تلفن ثابت: ۰۲۵۳۲۴۰۵۴۲۸ / همراه: ۰۹۱۲۵۳۸۷۸۲۷

پست الکترونیکی: Asadihekmat@gmail.com

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت «ع» در شبه قاره
۳	چکیده
۵	مقدمه
۷	پیش زمینه ها
۸	۱. عرصه سیاسی:
۸	۲. عرصه مذهبی
۹	۳. عرصه اجتماعی
۱۱	عوامل مؤثر در گسترش اسلام و مکتب اهل بیت «ع» در هند
۲۰	سوم) حمایت حکومت های مسلمان:
۲۵	حکومت های شیعی در هند
۲۵	۱. بهمنی ها
۲۵	۲. عادل شاهیان
۲۵	۳. نظام شاهیان
۲۶	۵. سلسله «چک» ها در کشمیر
۲۷	۶) حکومت شیعی «اوده»
۲۸	چهارم) علما و مبلغین مسلمان:
۳۷	پنجم) تجار و بازرگانان مسلمان:
۳۹	منابع
۴۱	آسیب ها و موانع همگرایی مسلمانان
۴۱	چکیده
۴۳	مقدمه
۴۵	عوامل واگرایی
۴۵	الف) داخلی:
۵۲	ب) خارجی
۵۵	ضرورت همگرایی مسلمانان

زمینه‌های همگرایی.....	۵۶
(۱) اصل انسانی واحد؛.....	۵۶
(۲) عقیده و قبله واحد؛.....	۵۶
(۳) منابع تشریع واحد؛.....	۵۷
(۴) عبادات و ارزشهای واحد؛.....	۵۷
(۵) اصول و اخلاق واحد؛.....	۵۸
(۶) اهداف، سرنوشت، رسالت و عرف‌های واحد؛.....	۵۸
(۷) دشمن مشترک و واحد؛.....	۵۸
راهکارهایی برای همگرایی.....	۵۹
نتیجه‌گیری.....	۶۶
منابع.....	۶۹
مرجعیت علمی و دینی اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت.....	۷۱
چکیده.....	۷۱
حدیث ثقلین در منابع روایی اهل سنت.....	۷۵
نتیجه‌گیری.....	۸۴
منابع.....	۸۶
بررسی اجمالی فرقه ذکریه.....	۸۹
چکیده.....	۸۹
مقدمه.....	۹۱
الف) دلیل نام گذاری فرقه به «ذکریه».....	۹۲
ب- رهبر فرقه ذکریه.....	۹۳
ج- پیشینه.....	۹۷
ذکری‌ها پس از تشکیل پاکستان.....	۱۰۱
جمعیت ذکری‌ها.....	۱۰۴
عقاید.....	۱۰۴
منابع این نوشته.....	۱۲۵
مرووری بر روزنامه نگاری فارسی در شبه قاره.....	۱۲۷
اردو روزنامه نگاری فارسی.....	۱۲۸

استعمار و استعمارگران.....	۱۳۹
۱- معنی و مفهوم استعمار.....	۱۳۹
۲- استعمار در بستر تاریخ.....	۱۴۰
۳- گونه‌های استعمار.....	۱۴۵
عملکرد استعمار نو.....	۱۴۸
۴- اهداف استعمارگران.....	۱۴۹
۵- شیوه‌های برخورد و نفوذ استعمارگران.....	۱۵۲
۶- پیامدهای استعمار.....	۱۵۷

مقدمه

فرهنگ هر ملت، ترکیبی از سه رکن؛ باور، ارزش و اخلاق است، که نتیجه طبیعی و منطقی آن؛ آداب، رسوم، عرف و شیوه زیستی جامعه انسانی است. یعنی هویت فرد و جامعه را فرهنگ می‌سازد و بدون آن، زندگی فردی و اجتماعی معنایی ندارد.

بدون شک فرهنگ، زمان گذشته و حال را به هم پیوند می‌زند و تجربه‌های ارزشمند و ارجمند گذشته را با سخاوت به جهان حال و انسان امروز، هدیه می‌کند تا او جامع تر ببیند و بیاندیشد و زندگی کند.

مقالاتی که در این مجموعه تقدیم مخاطبان فرهیخته شده است، هر کدام به گونه ای صبغه و رنگ و بوی فرهنگی دارند و اگر چه سال‌ها قبل، در مجلات تخصصی منتشر گردیده اند، لکن به خاطر مانایی و بهره‌گیری از نظرات فاخر فرهیختگان، مجدداً بدین صورت تدوین و ارائه گردیده اند.

عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت «ع» در شبه قاره^۱

چکیده

ظهور اسلام در سال ۶۱۵ میلادی در جزیره العرب و گسترش سریع آن در آسیا، آفریقا و اروپا نقشه جهان را تغییر داد. نویسنده در این مقاله سعی کرده است عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت «ع» در شبه قاره را به اختصار و اکاوی نماید. شرایط نامناسب سیاسی، مذهبی، فرهنگی - اجتماعی و به خصوص نظام کاستی و طبقاتی ظالمانه و غیر انسانی هندوئیسم نقش قوی در فراهم کردن زمینه پذیرش اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام را در هند داشته است. محتوای غنی و رهایی بخشی اسلام و شخصیت پیام آورش، ارزش نهادن به انسان و اعطای جایگاه خلیفه الهی به او، مهاجرت مسلمانان و شیعیان از ماوراءالنهر، ایران و دیگر بلاد اسلامی به هندوستان، حمایت دولت‌های اسلامی عرب و ایرانی از ترویج و توسعه اسلام، علما و مبلغین، تجار و بازرگانان و... از جمله مهمترین عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام در شبه قاره محسوب می‌شوند که در این مقاله به اختصار مورد بررسی قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: عوامل گسترش اسلام، مکتب اهل بیت «ع»، شبه قاره، هند، حکومت‌های شیعه هند

^۱ این مقاله در فصلنامه امامت پژوهی - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است.

مقدمه

تفکیک عوامل گسترش اسلام از عوامل گسترش مذهب اهل بیت علیهم السلام غیر ممکن است چرا که این‌ها دو ماهیت با دو محتوای خاص متمایز از یکدیگر نیستند بلکه صرفاً دو تعبیر و یا دو عنوان و لفظ با یک معنی و تعریف می‌باشند.

تاریخ ظهور و گسترش اسلام و حاکمیت مسلمانان گواه روشنی بر این حقیقت^۶ ناب است که اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام یک حقیقت واحد می‌باشند اگرچه بعدها قدرتمداران سودجو و فرصت‌طلب برای رسیدن به اهداف مادی خود دست به تحریف حقایق روشنی همچون القای وجود تمایز بین اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام زدند و با انحراف افکار عمومی مسلمانان و غیر مسلمانان و تبلیغ این باور نادرست که بین اسلام و مذهب اهل بیت که بعداً از آن به مذهب تشیع تعبیر شد تفاوت وجود دارد و تشیع نیز فرقه‌ای در کنار دیگر فرق اسلامی است، بزرگترین جنایت تاریخ را در حق اسلام و مسلمین مرتکب شدند. در حالی که اگر در قید نام و عنوان و الفاظ نباشیم و به باور و حقیقت نظر داشته باشیم هم‌اکنون مسلمانان محب اهل بیت علیهم السلام در جهان اکثریت قاطع پیروان اسلام را تشکیل می‌دهند. درست است که به لحاظ فقهی ممکن

است جمعیت مسلمانان به گروه‌های مختلفی همچون: حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی و شیعه تقسیم شود و هریک از این عناوین زیرشاخه‌های دیگری را در بر گیرد اما به نظر می‌رسد این تقسیمات چندان بیانگر حقیقت نباشد، زیرا کسانی بر آن تاکید می‌کنند که از وجود چنین تمایزاتی سود می‌برند و احیاناً در این اختلافات منافی را جستجو می‌کنند. بدون تردید اگر با تسامح از آن‌ها عبور کنیم و به متن جامعه مسلمان با هر عنوانی وارد شویم موضوع متفاوت خواهد شد. آن‌ها همه خود را محب اهل بیت علیهم السلام می‌دانند^۱ و اسلام خود را نیز اسلام اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند و چنانچه در باورهای تفضیلی- تاریخی آن‌ها اشکالاتی هم وجود دارد نه از سر آگاهی و انتخاب بوده و هست بلکه نتیجه تبلیغاتی است که صاحبان منافع به آن‌ها القاء کرده‌اند.

تأمل در چگونگی رسمیت یافتن چهار مذهب فقهی اهل سنت در ایام حکومت بنی عباس، که پیروان ائمه اهل بیت علیهم السلام تحت فشار و محدودیت شدید قرار داشتند به گونه‌ای که برای حفظ جان خود از بیان مذهبشان خودداری می‌کردند و با بهره‌گیری از شیوه تقیه برای خود مصونیتی نه چندان مطمئن فراهم می‌کردند در رمز گشایی این حقیقت می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. بر اساس اسناد موجود و موثق و به نقل از صاحب روضات؛ «در میان علما چنین شهرت یافته که چون اهل تسنن در زمان خلفای عباسی دیدند مذاهب فقهی مشتت و آراء در احکام فرعی مختلف و اهوای فقیهان متفرق گشته بطوری که ضبط آنها از حیث امکان خارج گشته، چه هریک از صحابه و تابعان و اتباع ایشان را تا آن عصر مذهبی مستقل و رأی و معتقدی منفرد در مسایل شرعیه فرعیه و احکام عملیه دینیه پدید آمده و ناگزیر یابد آنها را تقلیل دهند و برخی را به تحلیل برند پس بر این متفق شدند که

^۱ و مگر دین چیزی بجز محبت است؟ وهل الدین الا الحب؟ امام صادق (ع)، سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۱، ذیل کلمه «حب»

برخی از آن مذاهب را برگزینند و عمل به آنها را مورد اتفاق قرار دهند... پس رؤسا و عقلاء ایشان را عقیده متحد و کلمه متفق گردید که از اصحاب هر مذهبی هزارها هزار درهم و دینار بگیرند و بقاء آن مذهب را بپذیرند. پس حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی از لحاظ عده بسیار و از لحاظ عده آماده این کار بودند مالی را که می خواستند پرداختند و مذهب خود را ثابت و برقرار ساختند. از شیعه که آن زمان به «جعفری» معروف بودند آن مال را خواستند، ایشان که از لحاظ عده و عده ضعیف بودند^۱ در پرداخت مال مقرر ناتوانی و سستی کردند و این قضیه در زمانی بود که سید مرتضی ریاست ایشان را داشت و او آنچه توانست در تحصیل و فراهم آوردن آن از شیعیان کوشش کرد لکن دست تنگی و کم مالی ایشان یا قضای مبرم الهی باعث شد که کوشش وی به جایی نرسد... و چنین شد که ناگزیر مذهب شیعه بر کنار ماند و چهار مذهب فقهی سنی رسمیت یافتند»^۲.

در عین حال اگر بخواهیم با ادبیات معمول موضوع را پی بگیریم تاریخ دقیقی برای ورود تشیع^۳ به هند نمی توان تعیین کرد ولی بروز و ظهور رسمی آن، به قرن هشتم هجری به بعد باز می گردد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

پیش زمینه ها

تاریخ نگاران، وضعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی کهن ترین مهد تمدن بشری یعنی شبه قاره هند را در قرن هفتم میلادی همزمان با بعثت پیامبر خاتم (ص) چنین گزارش کرده اند:

^۱ همانطور که اشاره شد در آن زمان شرایط حاکم بر شیعیان بسیار صعب و دشوار بود. به گونه ای که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام از ابراز مذهب خود پرهیز می کردند. لذا ممکن است این موضوع نیز در همین راستا تحلیل شود.

^۲ ادوار فقه، ج ۳، صص ۶۴۷-۶۴۸

^۳ در هندوستان فرق مختلفی از شیعه حضور دارند که شاخص ترین آن ها عبارتند از: زیدیه، اسماعیلیه، بهره، اثنی عشریه

۱. عرصه سیاسی:

در پی هجوم «هون»‌های وحشی، هندوستان نیز مانند بخشی از اروپا و نقاط دیگر آسیا و ایران و بیش از یک قرن در آشوب و فساد غوطه‌ور بود و تمدن عظیم امپراطوری «گوپتا»‌ها در آستانه نابودی قرار گرفت.

همزمان با ظهور اسلام شخصی به نام «هرشه-وردنه» از خاندان گوپته در اوایل قرن هفتم میلادی در شمال هندوستان حکومتی مقتدر که پایتخت آن شهر «کنوج» بود به وجود آورد (۶۰۶-۶۸۴ میلادی) و در همان ایام (۶۱۸-۶۴۲ میلادی) «پولکشین دوم» از سلسله «چالوکیه» در جنوب هندوستان حکومتی قوی و وسیع در دست داشت که حتی توانست یک بار «هرشه» را شکست دهد، و سلطان دیگری به نام «کومارا» حکومت مستقلی در «آسام» در اختیار داشت.^۲

۲. عرصه مذهبی

هندیان در اکثر ادوار تاریخ شبه قاره با مذهب بیشتر از سیاست و اقتصادیات سر و کار داشتند.^۳ ادیان هندی پیروان خویش را به انزوای اجتماعی و بریدن از علایق مادی دعوت می‌کنند. در عصر ظهور نبوی، ادیان و مذاهب گوناگونی در هند وجود داشته که همه آنها شاخه‌هایی از سه دین هندی شامل: هندوئیسم، جینیسم و بودیسم بوده اند.

صرف نظر از تعالیم و آموزه‌های این ادیان و بحث‌های فلسفی و کلامی آنها در هندوستان متعبدن آن روز، اثری از یک مکتب توحیدی ناب وجود نداشت. در مکتب رسمی هندوئیسم یک نوع تثلیثی به نام «تری مورتی»^۴ وجود داشت.

^۱ تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱، فصل چهاردهم، ص ۴۵۷

^۲ تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱، فصل شانزدهم، اقتباس از صص ۵۱۸ تا ۵۲۰

^۳ تاریخ تمدن، آرنولد توین بی، ص ۴۲۱

^۴ Trimurti

هندوها جریان آفرینش و اراده جهان را به سه مرحله اساسی؛ آفرینش، اداره و انهدام تقسیم می کردند و سه خدای برهما، ویشنوا و شیوا را به ترتیب متصدی سه مرحله فوق می دانستند.

اما در مرحله تقدیس و پرستش به اندازه ای سطح این عمل مقدس را پایین می آوردند که کمتر موجودی است و لو یکبار توسط هندوها پرستش نشده باشد. ویل دورانت پس از ذکر پنج خدای هندوها می نویسد:

اینها فقط پنج خدا از سی میلیون خدای هندوها به شمار می روند و ما اگر بخواهیم به نام بردن آنها هم اکتفا کنیم یکصد مجلد کتاب لازم است.

«تاریخ ادیان هند» تعداد خدایان هندوها را در میان عوام، سیصد میلیون می شمارد.^۱ براساس عقیده تناسخ و حلول، هندوها معتقدند: روح خدا در بسیاری از موجودات حتی حیوانات و حشرات حلول می کند و خدایی می کند. مثلاً فیل خدایی می شود به نام گالشا، میمون ها و افعی ها و مارها مخصوصاً مار خطرناک «ناگا» در میان هندوها به رتبه خدایی می رسند.

به افتخار افعی ها معابد زیادی از جمله معابد معروف میسور شرقی ساخته شده که در آنها تعداد فراوانی خزنده توسط روحانیون پذیرایی می شدند و شیر و موز و غذا در مدخل لانه مارها می گذارند، به افتخار افعی ها جشن های مذهبی برپا می کنند، نهنگ ها، شیرها، طوطی ها و حتی موش ها از این پرستش بی بهره نمانند گر چه گاوها موقعیت بهتری نسبت به دیگر حیوانات پیدا کردند.

۳. عرصه اجتماعی

هندوئیسم نظام طبقاتی را (که از حدود قرن ۱۵ پیش از میلاد همراه با

^۱ تاریخ جامع ادیان، جان ناس، ص ۱۹۵

آریایی‌ها به هند وارد شد)^۱ به فلسفه‌ای که خود برای آفرینش جهان یافته متکی می‌کند و در نتیجه آن را امری حتمی و غیرقابل اجتناب تصور می‌نماید. براین اساس؛ برهما نخست اولین مرد و زن جهان را به نام «منو» و «شاتاروپا» آفرید. سپس طبقات چهارگانه بشر را به صورت زیر از «منو» به وجود آورد که هر یک وظایف و احکام اخلاقی و جایگاه تعریف شده اجتماعی خاص خود را دارند^۲:

(الف) برهمنان^۳ (روحانیان و آموزگاران) را از سر «منو»؛

(ب) کشاتریا^۴ (فرمانروایان و جنگجویان) را از دستان او؛

(ج) ویشیه‌ها^۵ (تجار و کشاورزان) را از ران «منو»؛

(د) شودره‌ها^۶ (خدمت‌کارها، افراد پست و حقیر) از پاهای او؛^۷

اینها طبقات اصلی هستند و فروعات اینها تا سه هزار گفته شده است، هریک از این طبقات دارای حدود و تکالیف و امتیازات خاصی بودند. طبقه قابل جابجایی نبوده و هرکس در هر طبقه‌ای به دنیا می‌آمد در همان طبقه تا پایان عمر ماندگار بود.^۸

برهمنان طبقه برتر بودند و طبق قانون نامه «مانو» از جانب خداوند در رأس جمیع مخلوقات قرار داشتند و همه اموال جهان در درجه اول ملک برهمنان بوده و از مالیات معاف بودند.

^۱ الملل والنحل، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۰

^۲ راهنمای ادیان زنده، بخش اول، ص ۵۱۰

^۳ Brahmins

^۴ Kshatryas

^۵ Vaishyas

^۶ shudras

^۷ دین‌های بزرگ، صص ۳۰-۳۱

^۸ تاریخ تمدن و زندگی مردم جهان، ص ۲۲۱.

برهمن هر جنایتی را که مرتکب می‌شد محکوم به اعدام نمی‌شد، البته در مقابل این امتیازات، تکالیف و محدودیت‌های سختی هم داشتند.

در نظام طبقاتی هندوئیسم اگر فردی از طبقه پست به کتاب‌های مقدس گوش فرا می‌داد باید گوش او را از مواد مذاب آتشین پرکنند و اگر تلاوت می‌کرد زبان‌ش را ببرند و اگر حفظ می‌کرد بدنش را دو نیم کنند. آنها حق نداشتند به ۲۴ قدمی طبقات بالاتر و هفتاد قدمی یکی برهمن نزدیک شوند. نمی‌توانستند از چاه‌های عمومی آب بردارند و به معابد مخصوص برهمنان بروند.

بر اساس قانون نامه «مانو»، زنان هند به استثنای زنان بزرگ زاده و اصیل و زنان روسپی معابد، از تحصیل علم و کسب دانش «وداها» محروم بودند^۱ و همانند برده‌ها حق مالکیت نداشتند. دسترنج آنان به جیب شوهر و ارباب می‌رفت.^۲ رسم خشن ساتی یعنی سوزاندن بیوه با جسد شوهرش از دیگر رسوم هندو است.^۳

آنچه اشاره شد شمه‌ای از وضعیّت و شرایط ظالمانه، تبعیض‌آمیز و غیرانسانی حاکم بر جامعه هند در ساحت‌های مختلف، هم‌زمان با ظهور نبی رحمت حضرت محمد مصطفی (ص) است که هر یک از آنها به تنهایی برای گرایش مردم به اسلام کافی بود.

عوامل مؤثر در گسترش اسلام و مکتب اهل بیت «ع» در هند (اول) اسلام و پیام‌آورش

ویژگی‌های اسلام و پیام‌آور بزرگ آن به گونه‌ای بود که هرکس درباره آن‌ها می‌شنید علاقه‌مند می‌شد که بیشتر بشنود و بداند. پیامبر اسلام نه شاهزاده بود، نه

^۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱، ص ۵۶۴.

^۲. همان، ص ۵۶۴.

^۳. همان، ص ۵۶۵.